

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی- پژوهشی

سال یازدهم- شماره چهارم- زمستان ۱۳۹۷- شماره پیاپی ۴۲

ویژگیهای سبک مینیمالیسم در حکایتهای کشف المحجوب هجویری

(ص ۱۸۵-۲۰۲)

اسماعیل شفق^۱ (نویسندهٔ مسئول)، محمد حسین وحدانی^۲

تاریخ دریافت مقاله: پاییز ۹۶

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: پاییز ۹۶

چکیده

شتابزدگی انسان معاصر در بیشتر عرصه های زندگی، نتیجهٔ گسترش ماشینیزم و تسلط تکنولوژی بر دنیای کنونی است. حاصل این امر پدید آمدن مینیمالیسم در معماری، نقاشی، پیکرتراشی، ادبیات و هنرهای دیگر است. مینیمالیسم در ادبیات سبک یا اصلی ادبی است که بر پایهٔ فشردگی افراطی و ایجاز بیش از حد محتوای اثر ادبی بنا شده است. پیدایش مینیمالیسم و داستانهای کوتاه کوتاه، در غرب مقوله ای جدید به حساب می آید، اما در ادبیات کهن فارسی، حکایتهای بسیاری وجود دارد که دارای ویژگیها و پارامترهای داستان مینیمال است. برخی از این ویژگیها عبارتند از: ایجاز و فشردگی، سادگی طرح و پیرنگ، محدودیت صحنه پردازی و شخصیتها و وقایع، بهره‌مندی از تم جذاب، بی‌پیرایگی زبان، سهل و ممتنع بودن و ایجاد مفاهیم پارادوکسیکال در داستان. کشف المحجوب هجویری، یکی از آثار عرفانی و ادبی فارسی است که علاوه بر ویژگیها و ارزشهای محتوایی، از نظر داستانپردازی نیز قابل تأمل و بررسی است. پرسشی که این مقاله برای پاسخگویی به آن نوشته شده این است که: آیا ساختار حکایتهای کشف المحجوب با ویژگیهای داستانهای مینیمالیستی مطابقت دارد یا خیر. بنابراین، هدف مقاله حاضر، بررسی و تطبیق مختصات و ویژگیهای داستانهای مینیمالیستی با حکایتهای کشف المحجوب است تا نشان داده شود که مینیمالیسم و کوتاهگرایی در حوزهٔ داستان، اگرچه امروز نمود بیشتری یافته است، اما ریشه در ادبیات کهن ایران دارد. نتیجهٔ پژوهش این است که بیشتر حکایتهای کشف المحجوب با ویژگیهای داستانپردازی به سبک مینیمالیسم مطابقت دارد.

کلمات کلیدی: ایجاز، پیرنگ، حکایت، داستانک، کشف المحجوب، مینیمالیسم.

^۲ - استاد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بوعلی سینا همدان (e.shafagh@basu.ac.ir)
^۱ - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بوعلی سینا همدان (mh.vahdani@iauf.ac.ir)

۱- مقدمه

با گسترش صنعت، ماشینیزم و آغاز موج سوم (عصر فراصنعتی)، امروزه شاهد آن هستیم که انسان شتابزده معاصر، خواسته یا ناخواسته، گرایش به کوتاهی و فشرده‌گی دارد. این گرایش، در بیشتر عرصه‌های زندگی، از معماری، نقاشی، پیکرتراشی و هنرهای دیگر گرفته تا پیامک‌های تلفنی، ایمیل‌ها، پیام‌ها و نوشته‌ها در شبکه‌های مجازی نمود پیدا کرده است. این کوتاه‌گرایی که از آن به‌عنوان مینیمالیسم یاد میشود، پاسخ به نیاز انسان در روزگار ماست. در گذشته نیز بسیاری از ادیبان و نویسندگان ما، به ضرورت کوتاه‌گرایی و کوتاه‌نویسی پی برده بودند. آنها برای بیان بهتر اندیشه‌های خود، در شعر از قالب‌های کوتاه شعری و در نثر از حکایت‌ها و داستان‌های کوتاه استفاده میکردند. این شیوه، بخصوص در بین عارفان و اهل تصوف رواج بیشتری داشت. کشف‌المحجوب هجویری (قرن پنجم هجری) یکی از این آثار عرفانی- ادبی است که نویسنده برای انتقال پیام‌های خود، از شیوه حکایت‌پردازی بهره جسته است.

۲- سؤال اصلی پژوهش

آیا داستان‌ها و حکایت‌های کشف‌المحجوب با ویژگی‌های داستان‌های مینیمالیستی مطابقت دارد؟

۳- ضرورت پژوهش

نویسندگان، ضمن اعتقاد به مثبت بودن پاسخ سؤال یاد شده، این ضرورت را احساس کردند که باید غبار زمان از چهره کشف‌المحجوب زدوده شود و ارزش این میراث جاودان فرهنگ، عرفان و ادب پارسی، بیش از پیش روشن شده و باعث به وجود آمدن درک و نگرشی نوین به این اثر ارزشمند و آثار مشابه دیگر شود. این نگرش میتواند خودشناسی و خودباوری را در ملت ایران تقویت کند.

۴- شیوه پژوهش

برای دست یافتن به اهداف پژوهش، با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، مقالات و سایت‌های علمی معتبر، اطلاعات لازم در مورد سبک مینیمالیسم، ساختارهای داستان نویسی مینیمال و ویژگی‌های داستان‌های مینیمالیستی جمع‌آوری و فیش برداری شده است؛ پس از آن کتاب کشف‌المحجوب به طور کامل مطالعه و حکایت‌های آن مشخص شده است. سپس براساس شیوه توصیفی- تحلیلی، این اطلاعات مورد بررسی، تحلیل، تطبیق و نتیجه‌گیری قرار گرفته است.

۵- پیشینه پژوهش

با بررسیهای انجام شده، تاکنون در خصوص موضوع این مقاله، پژوهشی مستقل صورت نگرفته است؛ اما در خصوص ویژگیهای مینیمالیسم و تطبیق آن با برخی از آثار ادبی فارسی مقالات ارزشمندی نوشته شده است که از آن جمله‌اند: مقاله «ویژگیهای مینیمالیستی در برخی داستان‌بیت‌های دیوان مولانا» از خانم دکتر فاطمه مدرسی و خانم مهریوه رضی، چاپ شده در فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)؛ «داستانک در حکایت‌های قابوسنامه و تطبیق آن با مینیمالیسم» از آقای جهان دوست سبزه‌علیپور و خانم فرزانه عبداللهی، چاپ شده در فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)؛ «مینیمالیسم و ادب پارسی» از آقای دکتر احمد پارسا، چاپ شده در نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان؛ «نظام داستان‌پردازی در کشف‌المحجوب» از آقای احمد رضی و خانم سهیلا روستا، چاپ شده در دوفصلنامه علمی- پژوهشی ادبیات عرفانی دانشگاه الزهراء. کتابها و مقاله‌های دیگری نیز در خصوص مینیمالیسم و ویژگیهای آن چاپ شده است که در این مقاله از آنها استفاده شده و در فهرست منابع ذکر شده‌اند؛ با این همه، هیچ کدام از موارد یاد شده، به طور مستقل به بررسی و تطبیق ویژگیهای مینیمالیسم با حکایت‌های کشف‌المحجوب نپرداخته‌اند.

۶- بحث و بررسی

خُردگرایی، کمینه‌گرایی، حداقل‌گرایی، کوتاه‌گرایی یا مینیمالیسم، در یک نگاه کلی، برآمده از نیاز انسان شتابزده معاصر است. اگرچه این جنبش در غرب ابتدا از هنرهای دیداری و تجسمی آغاز شد، اما در حوزه ادبیات و داستان‌نویسی ماندگاری بیشتری یافت. امروزه بیشتر خوانندگان، تمایل و فرصت مطالعه آثار ماکسیمال و رمانهای چندجلدی را ندارند و این خود باعث گسترش و اقبال روزافزون به داستانهای کوتاه یا مینیمال شده است. واژه مینیمالیسم در زبان فارسی به خُردگرایی (واژه‌نامه هنر داستان نویسی، میرصادقی و میرصادقی، ص ۸۹) و حداقل‌گرایی (واژگان ادبیات داستانی، سلیمانی: ص ۸۸) ترجمه شده است. در خصوص اصطلاح مینیمالیسم، اظهار نظرهای زیادی شده است که در اینجا به برخی از مهمترین آنها اشاره می‌شود: در دانشنامه بریتانیکا واژه مینیمالیسم این‌گونه تعریف شده است: مینیمالیسم در ادبیات سبک یا اصلی ادبی است که بر پایه فشردگی افراطی و ایجاز بیش از حد محتوای اثر ادبی بنا شده است. (آینده رمان و شتاب زمان، گوهرین: ص

این اصطلاح در تعریف فراگیر آن، شکل تکامل یافته و صنعتی‌شده هنر کمینه‌گرایی مدرنیستی است؛ روند کنار گذاشتن آثار غیرضروری و نیل به نهایت ایجاز در یک اثر هنری، که قاعده جزمی هنر مدرن بود و در کردار مینیمالیستها با یک روح صنعتی و خرد علمی درهم آمیخت. توصیه اکید مدرنیسم به روایت مفسر بزرگ آن کلمنت گرینبرگ، تمرکز و تلخیص در اثر هنری با هدف دستیابی به عصاره ناب و تمامیت غایی آن بود. (مفاهیم و رویکردها در آخرین جنبش‌های هنری قرن بیستم، ادوارد لوسی اسمیت: ص ۱۴۲) مینیمالیسم، در تعبیر ساده لغوی، به کاستنهای شکلی و نیل به عصاره ناب در فرم هنری اشاره دارد. (انقلاب مفهومی، سمیع آذر: ص ۱۵۳)

همانگونه که مشاهده میشود، مینیمالیستها بر فشردگی و ایجاز در اثر هنری تأکید دارند؛ اما حد و مرز این تلخیص تا جایی است که ساختار اصلی اثر هنری حفظ شود و باعث شود تا بیشترین معنا در کوچکترین قالب و کمترین لفظ بیان شود.

برخی، داستان مینیمالیستی را «اتم شکافته شده داستان کوتاه» نامیده‌اند. اصل «کم هم زیاد است» یا (less is more) شعار اساسی آنهاست. مینیمالیستها در فشردگی و ایجاز تا آنجا پیش می‌روند که فقط عناصر ضروری اثر، آن هم در کمترین و ساده‌ترین و کوتاهترین شکل باقی بماند. (ریخت‌شناسی داستانهای مینیمالیستی، جزینی: ص ۷)

هواداران داستان کوتاه، تاکنون برای این نوع ادبی، اسامی زیادی ساخته‌اند، از جمله: داستان مینیمال (minimal fiction)، داستان کوچک (micro fiction)، داستان برق‌آسا (flash fiction)، داستان ناگهانی (sudden fiction)، داستان طرح‌حوار (skeletal fiction)، داستان برق‌آسای لرزان (quake fiction flash)، داستان لاغر (skinning fiction)، داستان تند (fast fiction)، داستان آتشین (furious fiction)، داستان کارت پستال (fiction post card) و داستان کوتاه کوتاه (story short short).

تمامی گونه‌های فوق دارای یک ساختار و قالب هستند و اعضای آن تنها با محدود کردن تعداد واژگان برای خود گروه و انجمنی تشکیل داده‌اند. (ادبیات داستانی، پارسی‌نژاد، سال یازدهم، شماره ۷۴: ص ۵۸)

با تمام تعریفها و اظهار نظرهایی که تاکنون در خصوص داستان مینیمال شده است، شاید بتوان گفت یکی از بهترین تعریفها برای داستان مینیمال این است:

داستان مینیمال، نوعی جریان آگاهانه است در جهت خلق آثار داستانی که از واژگان اندک پدید آمده تا از آن طریق، مباحث و مفاهیم بسیار عمیق و پیچیده مطرح گردد. (ادبیات داستانی، پارسی نژاد: ص ۵۸)

۶-۱- پیشینه مینیمالیسم در جهان

با توجه به اینکه مشرق زمین از نظر تمدن پیشینه طولانیتری نسبت به غرب دارد، بهتر است برای بررسی و اظهارنظر در خصوص مینیمالیسم نگاهی به شرق داشته باشیم. در ژاپن، از قرن‌ها پیش آفرینش آثار کم حجم مورد توجه ادیبان آن کشور بوده است. هایکو (Haiku) در شعر و شوهین (Shohin) در نثر، از نمونه‌های بارز این گونه آثار هستند. برخی از داستانهای کتاب «چوره زوره گوسا» اثر «کنگو یوشیدا» نیز که صد سال پس از گلستان نوشته شده، از ایجاز خاصی برخوردارند و همین امر شاید یکی از دلایلی باشد که موجب شده ایرانشناسان آن سرزمین، آن را گلستان ژاپنی بنامند. (گلستان ژاپنی، یوشیدا، ترجمه رجبزاده: ص ۵)

در غرب نیز نویسندگانی چون ولفگانگ بوشرت، ریموند کارور، آن بیتی، جان چیور و ... تحت تأثیر جنگ جهانی و محیط بعد از آن، با شعار «کم هم زیاد است» تحولی در فرم و شکل داستانهای کوتاه ایجاد کردند. (ماهیت‌شناسی مینیمالیسم و بررسی داستانهای مینیمال فارسی از آغاز تا امروز، خادمی کولایی و رحیمی ابوخیلی: ص ۴۹)

۶-۲- پیشینه مینیمالیسم در ایران

کمینه‌گرایی یا مینیمالیسم در فرهنگ ایرانی از دیرباز وجود داشته است؛ این کوتاه‌گرایی در ضرب‌المثلهای و سروده‌های شاعران، بسیار دیده میشود؛ به عنوان مثال:

با اینکه سخن به لطف آب است	کم گفتن هر سخن صواب است
کم گوی و گزیده گوی چون در	تا ز اندک تو جهان شود پر
(نظامی، لیلی و مجنون، در نصیحت فرزند خود)	
سخن بسیار داری اندکی کن	یکی را صد مکن، صد را یکی کن
سخن کم گوی تا در کار گیرند	که در بسیار، بد بسیار گیرند
(نظامی، خسرو و شیرین، در پژوهش این کتاب)	
درخشنده روشن روان کسی	که کوتاه گوید به معنی بسی
سخن گوید انسان که دلخواهتر	ز لفظ آن گزیند که کوتاه‌تر
(فردوسی، شاهنامه، داستان بوزرجمهر)	

سخن کم گوی چون گویی نکوگوی نه نیک و بد چنانک آید فروگوی

(عطار، اسرار نامه، مقاله الحادیه و العشرون)

ای سنایی سخن دراز مکش کوتهی به ز قصه ناخوش

(سنایی، حدیقه الحیقه، الباب الثالث: اندر نعت پیامبر ما محمد مصطفی علیه السلام و فضیلت

وی بر جمیع پیغمبران)

آن یکی پرسید اشتر را که هی از کجا می آیی ای اقبال پی

گفت از حمام گرم کوی تو گفت خود پیداست از زانوی تو

(مولانا، مثنوی، دفتر پنج، مثل آوردن اشتر در بیان آنک در مخبر دولت فر و اثر آن چون

نبینی جای متهم داشتن باشد کی او مقلدست در آن)

بسیاری از داستان‌بیت‌های مولانا، مصداق مینیمالیسم و کوتاه‌گرایی است.

نمونه‌های زیر نشان دهنده ایجاز در داستان‌بیت‌های دیوان مولانا می‌باشد:

تو مپرس حال مجنون که زدست رفت لیلی تو مپرس حال آزر که خلیل آزر آمد

(کلیات شمس تبریزی، غزل شماره ۷۷۲)

یا

دلا زین تنگ زندانها رهی داری به میدانها مگر خفته است پای تو، تو پنداری نداری پا

(همان، غزل شماره ۵۴)

این ابیات مولانا، در عین کوتاهی عبارت، بزرگترین پند را در پیام اصلی گنجانیده است.

(ویژگی‌های مینیمالیستی در برخی داستان‌بیت‌های دیوان مولانا، مدرسی، ص ۳۳۳)

یکی بر سر شاخ و بن می‌برید خداوند بستان نگه کرد و دید

بگفتا گر این مرد بد می‌کند نه با من که با نفس خود می‌کند

(سعدی، بوستان، باب اول)

رباعیات شاعران پارسی‌گوی، به‌ویژه خیام، ابو سعید ابوالخیر و خواجه عبدالله انصاری نیز

به عنوان یکی از زیباترین نمونه‌های کمینه‌گرایی در شعر فارسی است.

در تاریخ نوین داستان‌نویسی ایران، شاید کتاب «در خانه اگر کس است» اولین اثری

محسوب شود که می‌توان تمایلات مینیمالیستی را به روشنی در آن یافت. این کتاب بسیار

کم حجم ۲۶ صفحه‌ای، شامل ده داستان کوتاه، از فریدون هدایت پور و عبدالحسین

نیری است. (داستان مکاشفه، تحلیل و بررسی داستانهای مینیمال، علیزاده: ص ۲۳)

در نثر کهن فارسی نیز کشف‌المحجوب هجویری ، رسالهٔ قشیریه، قابوسنامه، گلستان سعدی، جوامع الحکایات عوفی و... حکایتهای کوتاهی دارند که بسیاری از آنها با ویژگیهای سبک مینیمالیسم مطابقت دارد.

از آثار یاد شده، کشف‌المحجوب، نوشته ابوالحسن علی بن عثمان هجویری، از جهات گوناگون، یکی از با ارزشترین متون صوفیانه و ادبی در زبان پارسی است. این کتاب از آثار با ارزش قرن پنجم هجری و از نخستین آثاری است که در تصوف اسلامی پدید آمده است. کشف‌المحجوب، علاوه بر اشتغال داشتن بر شرح بسیاری از اصول تصوف و آداب صوفیان، خرقة و خرقة پوشی، ملامت و ملامتیان، در گزارش فرقه‌های صوفیه و کشف حقایق بعضی از احکام و آداب صوفیان، فصولی دارد که در نوع خود بیسابقه و در میان منابع اصلی تصوف بیمانند است. (کشف‌المحجوب، تصحیح عابدی: ص پنج)

یکی از ویژگیهای برجستهٔ کشف‌المحجوب، حکایتهای کوتاه و فشرده‌ای است که نویسنده به وسیلهٔ آن، اندیشه و پیامهای خود را به مخاطب انتقال میدهد و در تأیید نظرات خود از آن بهره میبرد. گرچه هدف اصلی نویسنده، داستانپردازی نیست، اما حکایتهای ذکرشده نشان میدهد که وی با ساختار و ویژگیهای تأثیرگذار داستان کوتاه به طور کامل آشنا بوده و آگاهانه از این ویژگیها استفاده میکند. این حکایتهای هم از نظر ساختار داستانی و هم از نظر معنایی قابل بررسی و تحلیل هستند.

ساختار بیشتر این حکایتهای، مطابقت و شباهت بسیار زیادی با ویژگیها و پارامترهای داستانهای مینیمال دارد که در اینجا به بررسی آن میپردازیم.

۶-۳- ویژگیهای داستانهای مینیمالیستی و تطبیق آن با حکایتهای کشف‌المحجوب

۶-۳-۱- ایجاز و فشردگی زیاد

یکی از برجسته‌ترین و اصلیت‌ترین ویژگیهای داستانهای مینیمالیستی، ایجاز، کم‌حجمی و فشردگی آن است؛ به گونه‌ای که نویسندگان سعی دارند هنرمندانه، بیشترین معنا را در کمترین لفظ بیان کنند.

گرچه محققان در خصوص تعداد واژه‌های داستانهای مینیمالیستی نظر واحدی ندارند، اما همگی آنها در کم‌حجمی و فشردگی آن اتفاق نظر دارند.

برای نمونه، در کتاب واژه‌نامهٔ هنر داستان‌نویسی ۵۰۰ تا ۱۵۰۰ کلمه ملاک کم‌حجمی معرفی شده است. (واژه‌نامهٔ هنر داستان‌نویسی، میرصادقی و میرصادقی: ص ۱۰۰) یا در کتاب راهنمای ادبیات از هیو هلمن و ویلیام هارمن، تعداد واژه‌های داستانهای مینیمالیستی

۵۰۰ تا ۲۰۰۰ واژه دانسته شده است. (ژانر ادبی داستانک و توانمندی آن برای نقد فرهنگ، پاینده: ص ۳۸). سیما داد نیز حدود داستانک را از ۵۰۰ تا ۱۵۰۰ کلمه میدانند. (فرهنگ اصطلاحات ادبی، داد: ص ۲۱۵). از سوی دیگر، مینیمالیستها معتقدند وقتی نویسنده زیاد توضیح میدهد، مشارکت خواننده را از بین میبرد. آنان معتقدند داستان مینیمال مانند یک عکس از یک موقعیت است. در این گونه داستان، نویسنده تنها باید ببیند و سپس دیده‌های خود را مجسم و تصویری کند تا خواننده همچون فردی فعال از پس دریافتها برآید. (داستان مکاشفه، تحلیل و بررسی داستانهای مینیمال، علیزاده: ص ۱۸)

برای نمونه، ایجاز را در چند حکایت زیر از کشف‌المحجوب بررسی میکنیم:

«ذوالنون مصری گفت: یکی را دیدم که اندر هوا میپرد. گفتم این درجه به چه یافتی؟ گفت: قدم بر هوا نهادم تا در هوا شدم.» (کشف‌المحجوب، باب فی فرق فرقههم و مذاهبهم و آیاتهم: ص ۳۱۴)

یا:

«بویزید روزی در صومعه بود. یکی بیآمد و گفت: بویزید در خانه هست؟ وی گفت، اندر این خانه به جز حق چیزی دیگر هست؟» (کشف‌المحجوب، باب فی فرق فرقههم و مذاهبهم و آیاتهم: ص ۳۸۰)

یا:

«یکی گفت از اهل دنیا مر رابعه را که یا رابعه، چیزی بخواه از من تا مرادت حاصل کنم، وی گفت یا هذا! من شرم دارم که از خالق دنیا، دنیا خواهم، شرم ندارم که از چون خویشتنی خواهم؟!» (کشف‌المحجوب، کشف‌الحجاب التاسع فی الصبحه مع آدابها و احکامها: ص ۵۲۷)

ویژگی ایجاز که یکی از اصول داستانهای مینیمالیستی است، در حکایتهای بالا به طور برجسته‌ای قابل مشاهده است؛ به گونه‌ای که اطناب، حشو و توصیف در آن دیده نمیشود. تعداد واژه‌هایی که نویسنده به کار گرفته نیز در حد ضرورت و به زیبایی، بیشترین معنا را در کمترین لفظ بیان کرده است.

۶-۳-۲- سادگی طرح و پیرنگ

یکی دیگر از ویژگیهای بنیادین داستانهای مینیمالیستی، چارچوب یا طرح ساده و عادی آنهاست؛ طوری که گاه طرح، چنان ساده میشود که انگار هیچ حادثه‌ای رخ نداده است! طرح در داستانهای مینیمالیستی تو در تو نیست؛ البته عدم پیچیدگی طرح را نباید به بی طرحی

تعبیر کرد. (ماهیت‌شناسی مینیمالیسم و بررسی داستانهای مینیمال فارسی از آغاز تا امروز ، خادمی کولایی و رحیمی ابو خیلی: ص ۷۳)

رابرت مک گی در کتاب داستان، ساختار، سبک، در تحلیل کارکرد طرح در داستان مینیمال میگوید: مینیمالیسم یعنی اینکه نویسنده با عناصر طرح کلاسیک آغاز کند، اما در ادامه آنها را تحلیل ببرد. یعنی ویژگیهای بارز پیرنگ را کوچک میکند، فشرده میکند، میکاهد. (ریخت‌شناسی داستانهای مینیمالیستی، جزینی: ص ۲۶)

برای نمونه: و از امیرالمومنین علی(رض) میآید که پیراهنی داشت که با انگشت او برابر بود و اگر وقتی پیراهنی درازتر بودی، سر آستین آن فرو دریدی. (کشف‌المحجوب، باب لبس المرقعات: ص ۶۳)

در یک نگاه سطحی و گذرا، پیرنگ و طرحی در حکایت بالا مشاهده نمی‌شود، اما اگر بخواهیم آن را براساس نمودار کلی و سنتی طرح، از دیدگاه گوستاو فریتاک(نظریه‌های روایت، والاس: ص ۵۷) بررسی کنیم: الف) در ابتدا موقعیت آرامی وجود دارد: (شخصیت داستان ، علی(ع) پیراهنی داشته که با انگشت او برابر است، ب) سپس این موقعیت دچار آشفتگی شده و گره‌افکنی صورت میگیرد: (خرید یا ... پیراهنی که آستینش درازتر بوده)، ج) نقطه اوج داستان(فرودریدن سر آستین آن پیراهن) و د) در آخر داستان موقعیت آرام دیگری شکل میگیرد: (آرامش شخصیت داستان به خاطر بی‌اعتنایی به دنیا). جالب اینجاست که نویسنده کشف‌المحجوب، در نهایت ایجاز، بدون هیچگونه توضیح و تفسیری، تشخیص و دریافت موقعیت آخر را به عهده خواننده میگذارد! بنابراین، حکایت نه تنها ساختار و طرح درستی دارد، بلکه از فشردگی و ایجازی بسیار قوی برخوردار است که از ویژگیهای مهم داستانهای مینیمالیستی است.

۶-۳-۳- محدودیت صحنه پردازی

در تعریف صحنه‌پردازی آمده است: صحنه‌پردازی، نحوه به تصویر کشیدن زمان و مکانی است که عمل داستان در آن روی میدهد. (ویژگیهای مینیمالیستی در برخی داستان‌بیت‌های دیوان مولانا، مدرسی: ص ۳۳۴) از طرف دیگر، چون زمینه داستانها ثابت است و گذشت زمان بسیار کوتاه است، تغییرات مکانی هم بسیار ناچیز است و به ندرت رخ میدهد. (ریخت‌شناسی داستانهای مینیمالیستی، جزینی: ص ۲۷)

از سوی دیگر چیزی که برای نویسنده داستان مینیمال اهمیت دارد، ایده و پیام اصلی داستان است؛ بنابراین نویسنده مینیمالیست، تمایل و فرصتی برای صحنه‌پردازی ندارد. زیرا

هرچه صحنه پردازی در داستان بیشتر باشد، اطناب بیشتر است و این، با روح داستان مینیمال، که مبتنی بر ایجاز است، منافات دارد. از این‌رو، در حکایتهای کشف‌المحجوب، یا هیچ صحنه پردازی وجود ندارد یا در حداقل ممکن است. به عنوان مثال در حکایت زیر هیچگونه صحنه‌پردازی مشاهده نمیشود:

یکی از مدعیان علم درویشی را گفت: این کبود چرا پوشیدی؟ گفت: از پیغمبر (ع) سه چیز بماند: یکی فقر، و دیگر علم و سه دیگر شمشیر. شمشیر سلطانان یافتند و نه در جای آن کار بستند و علم علما اختیار کردند و به آموختن تنها بسنده کردند و فقر فقرا اختیار کردند و آن را آلت غنا ساختند. من بر مصیبت این سه گروه کبود پوشیدم. (کشف‌المحجوب، باب لبس المرقعات: ص ۷۲)

۶-۳-۴- محدودیت شخصیتها و وقایع

چون کانون طرح در داستانک، یک شخصیت واحد و یک واقعه خاص است و نویسنده به عوض دنبال کردن سیر تحول شخصیت، یک لحظه خاص از زندگی او را به نمایش میگذارد (داستانک، جزینی: ص ۱۶) در داستان مینیمال، امکان تعدد شخصیتها و وقایع وجود ندارد:

و از جنید می‌آید (ره) که به باب الطّاق ترسایی دید سخت با جمال. گفت: بارخدا، این را در کار من کن که سخت نیکو آفریدی. چون زمانی برآمد، ترسا بی‌آمد و گفت: ایها الشیخ، شهادت عرضه کن بر من. شهادت عرضه کرد. مسلمان شد و یکی از اولیای خدا گشت. (کشف‌المحجوب، باب لبس المرقعات: ص ۷۷)

در یک نگاه آماری، از مجموع ۱۶۰ حکایت مورد بررسی در کشف‌المحجوب، ۷۲ مورد ۲ شخصیتی (یعنی چهل و پنج در صد)، ۶۰ مورد ۳ شخصیتی (یعنی سی و هفت و نیم در صد)، ۱۳ مورد ۴ شخصیتی (یعنی هشت و یک دهم در صد)، ۹ مورد ۵ شخصیتی (یعنی پنج و شش دهم در صد)، ۲ مورد ۶ شخصیتی (یعنی یک و سه دهم در صد)، ۴ مورد ۸ شخصیتی (یعنی دو و نیم در صد) هستند. (نظام داستانپردازی در حکایتهای کوتاه کشف‌المحجوب، رضی و روستا: ص ۹۵)

با توجه به آمارهای بالا، ۸۲/۵٪ از حکایتهای کشف‌المحجوب ۲ یا ۳ شخصیتی هستند که کاملاً با ویژگی محدود بودن شخصیتها در داستانهای مینیمال مطابقت دارد. وقایع نیز در حکایت بالا و حکایتهای دیگری که به عنوان مثال آورده شده کم و محدود است.

۶-۳-۵- محدودیت زمان و مکان

به دلیل کوتاهگرایی و ایجاز یاد شده، اغلب داستانهای مینیمالیستی در زمانی کمتر از یک روز، چند ساعت و گاهی چند لحظه اتفاق میافتد، چون زمینه داستانها ثابت است و گذشت زمان بسیار کوتاه است، تغییرات مکانی هم بسیار ناچیز است یا به ندرت رخ میدهد. (ریخت‌شناسی داستانهای مینیمالیستی، جزینی: ص ۲۷) از طرف دیگر، شیوه داستان‌نویسی مینیمالیسم به‌گونه‌ای است که در برخی از این داستانها صحنه دیده نمیشود؛ ولی خواننده میتواند از عناصر دیگر به وجود صحنه و چگونگی پی ببرد. به عبارت دیگر عناصر قوی دیگری در داستان نقش دارند و اصولاً مهم نیست که داستان در چه زمان و مکانی شکل میگیرد. (ماهیت‌شناسی مینیمالیسم و بررسی داستانهای مینیمال فارسی از آغاز تا امروز، خادمی کولایی و رحیمی ابو خلیلی: ص ۱۰۰)

بنا به همین دلایل و اهمیت بار معنایی، در بیشتر حکایتهای کوتاه کشف‌المحجوب، عنصر زمان و مکان، یا وجود ندارد یا آنقدر کم و محدود است که قابل چشمپوشی است؛ برای نمونه:

«همی‌آید که درویشی را با ملکی ملاقات افتاد. ملک گفت حاجتی بخواه. گفت من از بنده بندگان خود حاجت نخواهم. گفت: این چگونه باشد؟ گفت: مرا دو بنده‌اند که هر دو خداوندان تواند: یکی حرص و دیگر امل.» (کشف‌المحجوب، باب الفقر: ص ۳۱)

یا:

«ابراهیم ادهم به نزدیک ابوحنیفه آمد(ره) با مرقعه‌ای از صوف. اصحاب، وی را به چشم تصغیر نگریستند. بوحنیفه گفت: سیدنا، ابراهیم ادهم. اصحاب گفتند: بر زبان امام مسلمانان هزل نرود. وی این سیادت به چه یافت؟ گفت: به خدمت بردوام، که وی به خدمت خداوند مشغول شد و ما به خدمت تنهای خود، تا وی سید ما گشت.» (کشف‌المحجوب، باب لبس المرقعات: ص ۶۳)

همانگونه که مشاهده میشود، در مثال‌های بالا هیچ اشاره‌ای به زمان یا مکان داستان نشده است.

۶-۳-۶- بهره‌مندی از تم جذاب

تم جذاب، یکی دیگر از ویژگیهای داستانهای مینیمالیستی است. این گونه داستانها، حتماً باید قصه‌ای جذاب برای گفتن داشته باشند.

منظور از قصه جذاب، روایت یا ماجرای جالب توجه است که ذهن خواننده را برای شنیدن تحریک میکند. قصه در داستانهای مینیمالیستی مثل ماده منفجره است. به رغم اینکه این مواد کم است اما چون در محفظه‌ای در بسته و کوچک قرار میگیرد، انفجار بزرگی ایجاد میکند. (کارنامه، جزینی: ص ۴۰)

«و از ابراهیم ادهم(ره) می‌آید که: سنگی دیدم بر راه افکنده، و بر آن سنگ نبشته که: مرا بگردان و بخوان. گفتا: بگردانیدمش. بر آن نبشته بود که: تو به علم خود عمل می‌نیری، محال باشد که نادانسته طلب کنی.» (کشف‌المحجوب، باب اثبات العلم: ص ۱۹)

در این حکایت، جمله رازگونه‌ای که بر روی سنگ نوشته شده و با گرداندن سنگ، آن راز گشوده میشود(رازی که افسانه سیزیف و شعر کتیبه از مهدی اخوان ثالث را نیز فرا یاد می‌آورد). تم جذابی است که ذهن خواننده را برای مطالعه داستان تحریک میکند.

یا:

«همی‌آید که اندر بصره رئیسی بود، به باغی از آن خود رفته بود. چشمش به جمال زن برزگر افتاد. مرد را به شغلی بفرستاد و زن را گفت: درها دربند. گفتا: همه درها بستم، آلا یک در، که آن نمیتوانم در ببست. گفت: کدام در است آن؟ گفت: آن در که میان ما و میان خداوند است، جلّ جلاله. مرد پشیمان شد و استغفار کرد.» (کشف‌المحجوب، باب اثبات العلم: ص ۲۰)

تحریک‌شدن رئیس با دیدن زیبایی زن برزگر و اقدامات او برای کامجویی از زن، تم جذابی است که می‌تواند خواننده را به دنبال خود بکشد تا نتیجه و پایان ماجرای داستان را دریابد.

یا:

«از ابویزید می‌آید(رض) که: از حجاز می‌آمد. اندر شهر بانگ درافتاد که: بایزید آمد. مردمان شهر جمله پیش وی باز رفتند و به اکرام وی را به شهر درآوردند. چون به مراعات ایشان مشغول شد از حق بازماند و پراکنده گشت. چون به بازار درآمد، قرصی از آستین بیرون گرفت و خوردن گرفت. جمله از وی برگشتند و وی را تنها بگذاشتند و این اندر ماه رمضان بود. تا مریدی که با وی بود، مر مرید را گفت: ندیدی که یک مسأله از شریعت کار بستم همه خلق مرا ردّ کردند؟» (کشف‌المحجوب، باب الملامه: ص ۸۹)

پیشواز باشکوه مردم شهر از شخصیت بزرگ و معروفی چون بایزید و تنها گذاشتن ناگهانی او به خاطر خوردن نان در بازار، تم جذابی است که مخاطب را برای خواندن و ادامه داستان تحریک میکند.

۶-۳-۷- واقعگرایی

برخی معتقدند که داستانهای مینیمالیستی، روایتی رئالیست گونه از اتفاقات روزمره است؛ اما نوع روایت به‌گونه‌ای است که تأثیر نهاییش بر خواننده، بیش از قوه تصور است. (ماهیت‌شناسی مینیمالیسم و بررسی داستانهای مینیمال فارسی از آغاز تا امروز، خادمی کولایی و رحیمی ابو خیلی: ص ۹۳) از سوی دیگر، به دلیل کوتاهی بیش‌ازحد داستان، هیچ‌گونه مجالی برای خیالپردازی وجود ندارد. (مینیمالیسم و ادب پارسی، پارسا: ص ۳۳) وقتی من به نزدیک شیخ احمد نجار(ره) اندر آمدم. طبقی حلوا اندر پیش وی نهاده بود و همیخورد. به من اشارت کرد. من بر حکم عادت کودکی، گفتم روزه میدارم. گفت چرا؟ گفتم: بر موافقت فلان کس. گفت: خلق را بر خلق موافقت درست نیاید. من قصد کردم تا روزه بگشایم. گفت ای جوان، از موافقت وی تبراً میکنی، پس موافقت من هم مکن؛ که من نیز از خلقم، و این هر دو یکی باشد. (کشف‌المحجوب، کشف الحجاب السابع فی الصوم: ص ۴۷۱) حکایت بالا روایت فشرده یک رویداد کاملاً واقعی است. مثل یک فیلم کوتاه چند ثانیه‌ای است که دیالوگ و گفت و گوی کوتاه بین دو کاراکتر و شخصیت فیلم را نشان میدهد. بیشتر داستانهای کشف‌المحجوب واقعگرایانه و شرح اتفاقاتی است که برای شخصیت‌های حکایت روی داده است.

اگر هم در برخی از حکایتهای کشف‌المحجوب میبینیم که کارهای خارق‌العاده، مانند کرامت یا رفتارهایی که امروزه غیرواقعی به نظر میرسند، به برخی از شخصیتها نسبت داده میشوند، با توجه به زمان و فضای حاکم بر آن روزگار، از سوی مخاطبین پذیرفته شده و واقعی قلمداد میشوند.

۶-۳-۸- برجستگی برخی از عناصر داستان

عنصر گفتگو در حکایتهای کوتاه کشف‌المحجوب نمود زیادی دارد، اگرچه در داستانک همه عناصر داستان در حداقل خود به‌کار گرفته میشود، اما در میان این عناصر، گفتگو بیشترین کاربرد را دارد. چرا که گفتگو به روایت داستان شتاب میدهد و درعین حال ارزشهای نمایشی موقعیت را حفظ میکند. (داستانک، جزینی: ص ۱۷)

برای مثال: «موسی اندر حال مکالمت گفت: بار خدایا، تو را کجا طلبیم؟ گفت: آنجا که دل شکسته است و از خلاص نومید گشته. گفت: بار خدایا، هیچ دلی از دل من نومیدتر و شکسته‌تر نیست. گفت: من آن جایم که تویی.» (کشف‌المحجوب، باب فی ذکر ائمتهم من اتباع التابعین: ص ۱۵۵)

۶-۳-۹- سادگی و بی‌پیرایگی زبان

زبان داستان مینیمالیستی زبانی ساده و بی‌آلایش است و در آن هر لفظی، تنها بر معنای حقیقی خودش دلالت میکند. به همین دلیل، در روایت این گونه داستانها، اغلب هر قید یا صفتی که دلالت بیرونی ندارد حذف میشود. (ریخت‌شناسی داستانهای مینیمالیستی، جزینی: ص ۲۷) جان برین، معتقد است در این نوع داستانها، زبان برای لفاظی نیست، بلکه وسیله‌ای است برای تصویرسازی تا خواننده حوادث را در پیش رو ببیند، نوشتن یعنی دیدن و کار داستانپرداز، مجسم کردن این حوادث است. (همان: ص ۲۸)

سادگی و بی‌پیرایگی زبان، به‌ویژه در حکایتها، یکی از ویژگیهای سبکی کشف‌المحجوب است. این سادگی در تمام حکایت‌های کشف‌المحجوب و مثالهایی که در این مقاله آورده شده، قابل مشاهده است.

۶-۳-۱۰- حذف یا کمرنگ بودن حضور راوی

به طور کلی مهمترین بسامد در شیوه روایت مینیمالیسم، حذف راوی دانای کل از قصه است که معمولاً راهنمای خواننده است؛ حذف این چنین راوی، متن را بدون هیچ پوششی در اختیار خواننده قرار میدهد؛ به این ترتیب، خواننده تفسیر و تجربه چندانهای از داستان به دست می‌آورد و میتواند به هر روشی در دل داستان نفوذ کند. (ماهیت‌شناسی مینیمالیسم و بررسی داستانهای مینیمال فارسی از آغاز تا امروز، خادمی کولایی و رحیمی ابوخیلی: ص ۹۳)

در حکایت‌های کشف‌المحجوب، داستان گاه از زبان اول‌شخص و گاه از زبان سوم‌شخص روایت میشود. در برخی مواقع نیز حکایت را از زاویه دید راوی دانای کل بیان میکند و حتی تا درجه راوی مفسر هم پیش میرود. اما در بیشتر مواقع به دلیل ایجازی که در حکایتها به کار میرود، خصوصاً داستانهایی که عنصر گفتگو غالب است، اثری از دانای کل دیده نمیشود؛ مانند حکایت زیر:

«پیری به نزدیکی وی [ابوشقیق] آمد، گفت: ایهاالشیخ، گناه بسیار دارم و میخواهم که توبه کنم. وی گفت: دیر آمدی. پیر گفت: نه، که زود آمدم. گفت چرا؟ گفت: هر که پیش از مرگ بیاید، اگر چه دیرآمده باشد، زود آمده باشد.» (کشف‌المحجوب، باب فی ذکر ائمتهم من اتباع التابعین: ص ۱۷۰)

۶-۳-۱۱- سهل و ممتنع بودن

یکی از ویژگیهای جالبی که می‌توان برای داستانهای مینیمالیستی برشمرد، سهل و ممتنع بودن آن است. همان گونه که در بحث سادگی طرح و پیرنگ داستانهای مینیمالیستی اشاره شد، این داستانها (مانند حکایتهای سعدی در گلستان) در نگاه اول، ابتدایی و ساده به نظر میرسند و نوشتن آنها راحت و آسان مینماید، اما چنین نیست و نویسنده توانای داستان مینیمال، هنرمندانه عصاره اندیشه و پیام خود را کوتاه، ساده و با روشنترین و کمترین واژه‌ها بیان داشته است؛ به عبارت دیگر، بیشترین معنا را در کمترین لفظ بیان کرده است و هر نویسنده‌ای نمیتواند به این شیوه قلم‌فرسایی کند. هجویری از جمله نویسندگانی است که در این سبک خوش درخشیده است.

۶-۳-۱۲- ایجاد پارادوکس

داستان مینیمال اگرچه در ظاهر بدون احساس گفته میشود، اما در پس این روایت خونسردانه، یک بمب احساس و معنا (لایه‌های زیرین) در خود نهفته دارد؛ لایه‌ای که خواننده را به دوباره‌خوانی متن ملزم میکند. نویسنده مینیمال به دلیل کوتاهی و فشردگی در روایت، از اصل تقابل، تضاد و پارادوکس متنی سود میبرد تا بانی ایجاد بار معنایی اثر شود. (داستان مکاشفه، تحلیل و بررسی داستانهای مینیمال، علیزاده: ص ۱۷)

«گویند که عتبه الغلام شبی نخفت و تا روز می‌گفت: اگر مرا به دوزخ عذاب کنی دوست توم و اگر بر من رحمت کنی دوست توم.» (کشف‌المحجوب، باب فی فرق فرقه‌هم و مذاهبه‌هم و آیاتهم: ص ۲۷۳)

در این حکایت، نویسنده در عبارت: اگر مرا به دوزخ عذاب کنی دوست توم و اگر بر من رحمت کنی دوست توم؛ با ترکیب کردن دو مفهوم متضاد دوست کسی بودن در دو حالت ناساز و برعکس عذاب کردن و رحمت کردن، یک مفهوم جدید و پارادوکسیکال ایجاد میکند که در حوزه عشق و عرفان قابل درک است و متن را عمیق و تأثیر گذار میکند.

یا:

«پیری به نزدیکی وی [ابوشقیق] آمد، گفت: ایهاالشیخ، گناه بسیار دارم و میخواهم که توبه کنم. وی گفت: دیر آمدی. پیر گفت: نه، که زود آمدم. گفت چرا؟ گفت: هر که پیش از مرگ بیاید، اگرچه دیر آمده باشد، زود آمده باشد.» (کشف‌المحجوب، باب فی ذکر ائمتهم من اتباع التابعین: ص ۱۷۰)

در حکایت بالا نیز عبارت: اگرچه دیر آمده باشد، زود آمده باشد، مفهومی پارادوکسیکال را ایجاد کرده است. به عبارت دیگر، از ترکیب دو مفهوم متضاد زود آمدن و دیر آمدن با هم، یک مفهوم جدید ایجاد شده که بر زیبایی و تأثیرگذاری حکایت افزوده است.

۷- نتیجه

مینیمالیسم در جهان امروز به عنوان یک سبک در هنرهای مختلف پذیرفته شده است. اگرچه این سبک نخست در هنرهای دیداری مانند معماری، نقاشی و پیکرتراشی خود را نشان داده است، اما در ادبیات و داستانهای مینیمالیستی نمود و ماندگاری بیشتری پیدا کرده است.

پیدایش مینیمالیسم، پاسخی به نیاز انسان شتابزده معاصر است که در گیرودار صنعت و تکنولوژی عصر فراصنعتی، فرصت و تمایلی برای پرداختن به آثار ماکسیمالیستی ندارد. اگرچه خاستگاه این سبک را در غرب عنوان نموده‌اند، اما با نگاهی به شرق و ادبیات کهن ایران، پیشینه حکایتها و داستانهای مینیمالیستی به روشنی قابل مشاهده است. کشف-المحجوب هجویری یکی، از آثار ارزشمند عرفانی- ادبی پارسی است که علاوه بر ویژگیهای خاص محتوایی، از نظر حکایت‌پردازی نیز قابل تأمل و بررسی است.

نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که بیشتر حکایت‌های این کتاب، علاوه بر داشتن ساختارها و عناصر داستانی، با الگوها و طرح‌های داستان‌نویسی امروز نیز قابل انطباق می‌باشند. از مجموع ۱۶۰ حکایت مورد بررسی در کشف‌المحجوب، ۷۲ مورد ۲ شخصیتی (یعنی چهل و پنج در صد)، ۶۰ مورد ۳ شخصیتی (سی و هفت و نیم در صد)، ۱۳ مورد ۴ شخصیتی (هشت و یک دهم در صد)، ۹ مورد ۵ شخصیتی (پنج و شش دهم در صد)، ۲ مورد ۶ شخصیتی (یک و سه دهم در صد)، ۴ مورد ۸ شخصیتی (دو و نیم در صد) هستند. با توجه به آمارهای یاد شده، ۸۲/۵٪ از حکایت‌های کشف‌المحجوب ۲ یا ۳ شخصیتی هستند که کاملاً با ویژگی محدود بودن شخصیتها و به تبع آن کمتر بودن وقایع و در نهایت کمینه‌گرایی در داستانهای مینیمال مطابقت دارد.

از سوی دیگر، ایجاز و فشردگی، سادگی طرح و پیرنگ، محدودیت صحنه پردازی و شخصیتها و وقایع، بهره‌مندی از تم جذاب، بی‌پیرایگی زبان، سهل و ممتنع بودن، ایجاد مفاهیم پارادوکسیکال و ... که از ویژگیها و پارامترهای داستانهای مینیمالیستی است، به خوبی بر حکایت‌های کشف‌المحجوب منطبق است و نویسنده میکوشد تا به یاری حکایت‌های

کوتاه، عصاره اندیشه و پیام خود را به مخاطب برساند و بیشترین معنا را در کمترین لفظ بیان کند.

بنابراین، حکایتهای کشف‌المحجوب میتوانند به عنوان نمونه‌ای فاخر از آثار مینیمالیستی در ادبیات کهن پارسی به شمار آیند.

منابع و مأخذ

- ۱- ادبیات داستانی، میرصادقی، جمال (۱۳۹۰)، چاپ ششم، تهران: سخن.
- ۲- اسرارنامه، عطار، فریدالدین محمد بن ابراهیم نیشابوری (۱۳۹۴)، تهران: سخن.
- ۳- انقلاب مفهومی، سمیع آذر، علیرضا (۱۳۹۳)، تهران: نشر نظر.
- ۴- بوستان، سعدی، شیخ مصلح‌الدین، تصحیح غلامحسین یوسفی (۱۳۹۳)، چاپ دوازدهم، تهران: انتشارات خوارزمی.
- ۵- حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه، سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدود بن آدم (۱۳۸۸)، تهران: فردوس.
- ۶- خسرو و شیرین، نظامی، الیاس بن یوسف (۱۳۹۱)، ناشر: نوید صبح.
- ۷- داستانک (فلش فیکشن)، جزینی، محمدجواد (۱۳۹۰)، چاپ اول، تهران: انتشارات هزاره ققنوس.
- ۸- داستان مکاشفه (تحلیل و بررسی داستانهای مینیمال)، علیزاده، فرحناز (۱۳۹۲)، چاپ دوم، تهران: نشر قطره.
- ۹- دیوان کامل شمس تبریزی، مولوی، جلال‌الدین محمد بن شیخ بهاء‌الدین محمد بن حسین بلخی مشهور به مولوی، تصحیح استاد بدیع‌الزمان فروزانفر، مقدمه جلال‌الدین همایی (۱۳۸۴)، تهران: بدرقه جاویدان.
- ۱۰- ریخت‌شناسی داستانهای مینیمالیستی، جزینی، محمدجواد (۱۳۹۴)، چاپ اول، تهران: نشر ثالث.
- ۱۱- شاهنامه، فردوسی، ابوالقاسم، تصحیح ژول مول (۱۳۸۸)، ناشر: بهزاد.
- ۱۲- فرهنگ اصطلاحات ادبی، داد، سیما (۱۳۹۲)، چاپ ششم، تهران: انتشارات مروارید.
- ۱۳- کشف‌المحجوب، هجویری، علی بن عثمان؛ مقدمه، تصحیح و تعلیقات از محمود عابدی (۱۳۹۳)، چاپ نهم، تهران: انتشارات سروش.

- ۱۴- گلستان ژاپنی (چوره زوره گوسا)، کنگو، یوشیدا، ترجمه رجبزاده (۱۳۷۲)، تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ۱۵- لیلی و مجنون، الیاس بن یوسف نظامی (۱۳۹۴)، ناشر: آدینه سبز.
- ۱۶- ماهیت‌شناسی مینیمالیسم و بررسی داستانهای مینیمال فارسی از آغاز تا امروز، خادمی کولایی، مهدی و رحیمی ابوخیلی، رحمت (۱۳۹۳)، چاپ نخست، تهران: نشر میترا.
- ۱۷- مثنوی معنوی، مولوی، جلال الدین محمد بن محمد، به اهتمام رینولدالین نیکلسون (۱۳۹۳)، تهران: اردیبهشت.
- ۱۸- مفاهیم و رویکردها در آخرین جنبشهای هنری قرن بیستم، ادوارد لوسی اسمیت، ترجمه علیرضا سمیع آذر (۱۳۸۴)، تهران: نشر نظر.
- ۱۹- نظریه‌های روایت، والاس، مارتین (۱۳۸۲)، چاپ اول، تهران: هرمس.
- ۲۰- واژه‌نامه ادبیات داستانی، سلیمانی، محسن (۱۳۷۲)، تهران: انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.
- ۲۱- واژه‌نامه هنر داستان‌نویسی، میرصادقی، جمال و میرصادقی (ذوالقدر)، میمنت (۱۳۷۷)، تهران: کتاب مهناز.
- ۲۲- آینده رمان و شتاب زمان، گوهرین، کاوه، آدینه، مهرماه ۱۳۷۷.
- ۲۳- ادبیات داستانی، پارسی نژاد، کامران، سال یازدهم، شماره ۷۴، آذر ۱۳۸۲.
- ۲۴- ریخت‌شناسی، جزینی، محمدجواد، کارنامه، دوره اول، شماره ششم، ۱۳۷۸.
- ۲۵- ژانر ادبی داستانک و توانمندی آن برای نقد فرهنگ، پاینده، حسین، پژوهشهای ادبی، شماره ۱۲ و ۱۳، تابستان و پاییز ۱۳۸۵.
- ۲۶- مینیمالیسم و ادب پارسی (بررسی تطبیقی حکایت‌های گلستان با داستانهای مینیمالیستی) پارسا، احمد، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، دوره جدید، شماره ۲۰ (پیاپی ۱۷)، ۱۳۸۵.
- ۲۷- نظام داستانپردازی در حکایت‌های کوتاه کشف‌المحجوب، رضی، احمد و روستا، سهیلا، دوفصلنامه علمی پژوهشی ادبیات عرفانی دانشگاه الزهراء، سال دوم، شماره چهارم، بهار و تابستان ۱۳۹۰.
- ۲۸- ویژگیهای مینیمالیستی در برخی داستان‌بیت‌های دیوان مولانا، مدرسی، فاطمه، رضی، مهرویه، فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، سال پنجم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۱.